یادداشت

توافق امنیت متقابل؛ طرحی برای تداوم پیمان ابراهیم

بهروز ایاز

پاکستان و عربستان سال‌هاست که در مسائل امنیتی با هم همکاری داشته‌اند. پیمان دوستی دو کشور در سال ۱۹۵۱ شکل گرفت و در سال ۱۹۶۷ این کشور حدود هشت هزار نیروی نظامی عربستانی را آموزش داده است. در سال ۱۹۸۲ نیز توافق مشابهی برای آموزش نیروی نظامی عربستان بین دو کشور امضا شد. «توافق دفاع متقابل» سپتامبر ۲۰۲۵ دومین پیمان دفاعی پاکستان است. اولین آن در دوران جنگ سرد و پیمان سنتو بود. ولی از سوی دیگر، این اولین پیمان دفاعی است که پاکستان به طور مشخص با یک کشور منعقد می‌کند. قابل توجه است که حتی با وجود روابط عمیق و همکاری‌های دفاعی گسترده پاکستان و چین، هیچ پیمان دفاعی متقابل رسمی بین این دو وجود ندارد. این احتمال می‌رود که در ماه‌های آتی دیگر کشورهای عرب خلیج فارس از جمله امارات و قطر به آن بپیوندند. اگرچه پیوستن اعضای دیگر به این پیمان ابهام و چالش آن را بیشتر می‌کند، با این حال، این سؤال به ذهن می‌رسد که این پیمان در راستای چه اهدافی است؟ چه عللی پشت این تصمیم بوده است؟ آیا آن‌طور که شایع است، بی‌اعتمادی کشورهای عربی به ایالات متحده در تأمین امنیت عامل این پیمان است یا این پیمان در سمت و سوی دیگری حرکت می‌کند؟

محور این توافق در این جمله است: «حمله به هریک از این دو کشور، به معنای حمله به هر دو کشور است». این بند ناخودآگاه عربستان را در مقابل هند، یعنی دشمن دیرینه پاکستان، قرار می‌دهد. این درباره طالبان نیز صدق می‌کند. آیا در حملات مرزی طالبان با پاکستان، می‌توان گفت عربستان به کمک پاکستان برود؟ اهمیت موضوع از آن رو است که عربستان روابط حسنه‌ای با طالبان و هند دارد. روابط تجاری هند و عربستان حدود ۴۲ میلیارد دلار است. هند دومین شریک تجاری عربستان بعد از چین است. عربستان پنجمین شریک تجاری هند است. این در حالی است که روابط تجاری ریاض و اسلام‌آباد کمتر از پنج میلیارد دلار است. اگرچه گفته می‌شود ریاض برای جلوگیری از حمله اسرائیل به این پیمان پیوسته است و مقامات دهلی نو اعلام کرده‌اند که قبلا از گفت‌وگو درباره این توافق به واسطه ریاض خبردار شده‌اند، اما این احتمال وجود دارد که هند نیز به گسترش روابط نظامی خود با اسرائیل بپردازد.

آنچه از توافق دفاع متقابل شایع شده است، بی‌اعتمادی کشورهای عربی به آمریکا برای تأمین امنیت خود است. این گزاره در نگاه اول منطقی به نظر می‌رسد ولی با کمی تعمق می‌توان به ابعاد دیگری از این واقعیت دست یافت. بدین معنی که این توافق نه‌تنها نشانه بی‌اعتمادی به آمریکا نیست، بلکه در راستای منافع آمریکاست. چراکه این توافق موجب ایجاد توازن بین متحدان ایالات متحده می‌شود و باعث می‌شود واشنگتن از ابهام اتخاذ واکنش در برابر دو متحد خود، عربستان و اسرائیل، در صورت تنش خلاصی یابد. این توافق موجب بازدارندگی بین دو شریک راهبردی آمریکا و ثبات در خاورمیانه می‌شود. اگرچه تخاصم نظامی بین ریاض و تل‌آویو کم است ولی در صورت احتمال تخاصم، ترامپ نیازی نمی‌بیند شخصا در مقابل زیاده‌خواهی‌های نتانیاهو بایستد، چون این توافق عاملی بازدارنده است.

به عبارت ساده‌تر، این توافق با برقراری نظم در خاورمیانه، کاهش هزینه‌های ایالات متحده را در پی خواهد داشت. جدای از این، به‌سختی می‌توان پذیرفت که این توافق بدون پیش‌زمینه قبلی و بدون هماهنگی با آمریکا باشد. چراکه این دو بازیگر برای ثبات داخلی خود نیز وابسته به اقتصاد و سیاست آمریکا هستند. این توافق بیش از آنکه نشانه بی‌اعتمادی عرب‌ها به واشنگتن باشد، در راستای خواسته آن برای تداوم «پیمان ابراهیم» است. پیمان ابراهیم طرح صلحی بین اسرائیل و اعراب بود که ایالات متحده آن را برای کاهش هزینه‌های خود و ایجاد نظم در خاورمیانه بدون حضور گسترده خود لازم می‌دانست. چراکه می‌بایست تمرکز خود را بر شرق آسیا برای کنترل چین بگذارد. پیمان ابراهیم همان کارکرد «سیاست دوستونی» نیکسون-کیسینجر را داشت که قرار بود عربستان سعودی و اسرائیل دو ستون اقتصادی و نظامی برای ایجاد نظم جدید و صلح در خاورمیانه باشند. اما با حادثه ۷ اکتبر و برهم‌خوردن طرح کامل صلح ابراهیم و مهارنکردن اسرائیل، واشنگتن لازم دید طرح دیگری جایگزین صلح ابراهیم برای ایجاد ثبات در خاورمیانه پیاده کند و این امر با ورود پاکستان برای حفاظت از کشورهای عربی از طریق چتر هسته‌ای و ممانعت از برهم‌زدن نظم توسط هر بازیگر مداخله‌گری ممکن شد.

باید به این نکته توجه کرد که توافق دفاع متقابل صرفا برای بازدارندگی در برابر اسرائیل نیست و شامل ایران و حوثی‌های یمن نیز می‌شود. اگرچه برخی حتی در داخل از احتمال ناتوی اسلامی سخن می‌گویند، ولی لازم به ذکر است نه پاکستان توانایی رهبری ناتوی اسلامی را دارد و نه واشنگتن اجازه این طرح را می‌دهد. نخ این دو بازیگر منطقه‌ای به دست بازی‌گردان اصلی یعنی آمریکاست. عربستان سعودی نیز در استراتژی خود به واشنگتن یا پکن تکیه می‌کند نه پاکستان. بنابراین این طرح دفاع متقابل بین عربستان سعودی و پاکستان همسوی منافع آمریکا در منطقه و با هماهنگی آن کلید خورده است. بنابراین خوشحالی و هیجان‌زدگی مقامات داخلی و تحلیلگران ذی‌ربط برای ناتوی اسلامی و بی‌اعتبارشدن آمریکا نزد اعراب نمایانگر بی‌توجهی آنها به واقعیات سیاست است.

آیا چین و روسیه می‌توانند به ایران کمک کنند؟

ادامه از صفحه اول

با این حال باید توجه داشت که نحوه برخورد چین و روسیه با مسائل کره شمالی تاکنون تفاوت بسیاری با نحوه برخورد آن دو کشور با مسائل ایران داشته است. آنها در حالی از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ به‌شدت از کره حمایت کردند که از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ به همه قطع‌نامه‌های غرب علیه ایران رأی مثبت دادند. باید توجه داشت که ایران و کره شمالی به دلایل متعدد از جمله قرارداشتن ایران در منطقه حساس خاورمیانه، وجود مسئله اسرائیل، اولویت چین و روسیه برای همکاری با شش کشور خلیج فارس، حساسیت بسیار زیاد ایران برای غرب، تفاوت در نوع سیاست خارجی ایران و کره شمالی، تصور جهانی از تفاوت اهداف برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی و... با هم متفاوت‌اند و سیاست چین و روسیه درمورد دو کشور می‌تواند به همان نسبت متفاوت باشد. گذشت زمان مشخص خواهد کرد که چین و روسیه در عمل چه خواهند کرد. مهم است که مقامات ایران در حسابی که ممکن است روی این دو کشور کرده باشند، محتاط باشند.

کرانه باختری زیر سایه جنگ در غزه

باستان‌شناسی به‌مثابه سلاح جنگی

مهسا مژدهی: کرانه باختری را قلب فلسطین می‌دانند. این منطقه حاصلخیز از سال ۱۹۶۷ پس از درگیری نظامی میان اعراب و اسرائیل به اشغال اسرائیلی‌ها درآمده و در ماه‌های اخیر بحث الحاق آن به طور ویژه در محافل مطرح شده است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل که حمایت تندروها و افراطیون کنست را با خود دارد، به‌تازگی طرح الحاق را پیش کشید؛ اما ظاهرا این طرح از سوی ایالات متحده آمریکا و شخص ترامپ مورد استقبال قرار نگرفته است. با این حال دولت او با سلسله اقداماتی تلاش دارد تا به هر نحو ممکن مانع از تشکیل دولت فلسطینی شده و حتی از تاریخ و باستان‌شناسی برای اثبات حقانیت خود استفاده می‌کند.

یک پرونده باز برای نتانیاهو

مسئله الحاق کرانه باختری به صورت گسترده با مخالفت‌های بین‌المللی روبه‌رو بوده است. با این حال نتانیاهو این موضوع را مانند پرونده‌ای همیشه باز روی میز خود دارد و آن را هرازگاه به میان می‌کشد. پس از وقایع هفت اکتبر، زمزمه‌هایی که نخست‌وزیر اسرائیل را تشویق به الحاق کامل کرانه باختری می‌کرد، افزایش چشمگیری پیدا کرد. هرچند طی نزدیک به دو سال این صداها راه به جایی نبرده‌اند؛ اما دولت او در این منطقه با هدف تغییر واقعیات دست به اقداماتی زده است.

اسرائیل همه چیز را برای الحاق آماده کرده است

نتانیاهو درصدد بود در دیدار روز دوشنبه خود با دونالد ترامپ، مسئله الحاق کرانه باختری را با قدرت پیگیری کند. اما این اتفاق تحت تأثیر مخالفت شدید رئیس‌جمهور آمریکا قرار گرفت و ساعتی پیش از دیدار نخست‌وزیر اسرائیل اعلام کرد اکنون زمان مناسبی برای اعمال حاکمیت بر کرانه باختری نیست. با وجود عقب‌نشینی ضمنی، اما شرایط نشان می‌دهد که اسرائیلی‌ها در زمانی که تمرکز رسانه‌ها و نهادهای بین‌المللی و... بر روی مسئله غزه و نسل‌کشی در این ناحیه است، دست به اقداماتی زده‌اند که راه را برای الحاق کرانه باختری هموارتر کرده است.

افزایش چشمگیر شهرک‌سازی‌ها

یکی از مهم‌ترین اقدامات اسرائیل در دو سال اخیر در کرانه باختری، افزایش میزان شهرک‌سازی‌های غیرقانونی است. اسرائیل کرانه باختری را یهودا و سامره خوانده و آن را مکانی می‌داند که به طور تاریخی به آنها تعلق دارد. سال ۲۰۲۴، بتسائل اسموتریچ، وزیر دارایی و استراتژیست اصلی جنبش شهرک‌نشینان، کنترل امور غیرنظامی در بخش‌هایی از کرانه باختری را از ارتش به یک مدیر غیرنظامی منصوب‌شده در وزارت دفاع تحت نظارت خودش منتقل کرد. این تغییر در ظاهر ساده به افزایش بیشتر شهرک‌های اسرائیلی در سرزمین فلسطینی انجامید. کمی بعد دولت نتانیاهو مجوز ساخت ۲۲ شهرک جدید را در کرانه باختری صادر کرد. این اقدام از زمان امضای توافق اسلو سابقه نداشته است.

گسترش مصادره خانه‌های فلسطینی‌ها

منطقه سی در کرانه باختری ناحیه‌ای است که اداره آن به صورت کامل در دست تل‌آویو قرار دارد و در حقیقت به صورت کامل به اشغال درآمده. در ماه می امسال، دولت نتانیاهو تصمیم گرفت روند ثبت زمین‌ها را از سر بگیرد. این به معنای آن است که فلسطینی‌ها باید برای خانه‌های‌شان اسنادی را ارائه دهند که مربوط به پیش از اشغال فلسطین باشد. همین امر باعث خواهد شد که بسیاری از خانه‌ها در منطقه سی که متعلق به فلسطینی‌هاست، مصادره شده و آنها بی‌خانمان شوند.

احیای یک طرح قدیمی

از سال ۱۹۹۵ و بر اثر توافق اسلو، اسرائیل طرحی را که باعث تقسیم کرانه باختری می‌شد، کنار گذاشت. بنا بر روایت واشنگتن پست، پس از ۳۰ سال تأخیر، اسرائیل امسال پروژه‌ای را پیش برد که به طور گسترده تغییردهنده بازی در کرانه باختری تلقی می‌شود: توسعه زمین‌های موسوم به E1 که بیت‌المقدس را به شهرک بزرگ معاله آدومیم متصل می‌کند. با اجرای چنین طرحی عملا امکان تشکیل دولت مستقل فلسطینی از دست خواهد رفت. این همان چیزی است که نتانیاهو برای انجامش بی‌قرار است. نخست‌وزیر اسرائیل با بحرانی روبه‌رو شده که براساس آن بسیاری از متحدان پیشین ازجمله بریتانیا و فرانسه با به رسمیت شناختن دولت فلسطینی، او را برای تشکیل کشور مستقل فلسطین تحت فشار می‌گذارند. او برای ممانعت از چنین اقدامی که براساس توافق اسلو قانونی محسوب می‌شود، تن به هر تغییر و تحولی در کرانه باختری خواهد داد.

نتانیاهو نمی‌خواهد ببازد

نتانیاهو سراسر زندگی سیاسی خود را صرف نابودکردن هرگونه امکان تشکیل دولت فلسطینی کرده است و اکنون در دولت آمریکا متحدانی دارد که نفوذ تعیین‌کننده دارند. دلبستگی این دولت به راه‌حل دو کشوری متزلزل است، اما بسیاری از شخصیت‌های پرنفوذ در آن، از الحاق گسترده کرانه باختری حمایت می‌کنند. نتانیاهو برای اینکه بتواند مهر تأیید بر خواسته‌های خود در کرانه باختری بزند، از هیچ اقدامی روی‌گردان نیست. در شرایط فعلی خشونت علیه فلسطینی‌ها بیش از هر زمان دیگری شده است و هم‌زمان ده‌ها هزار نفر در دو سال گذشته بی‌خانمان شده‌اند. با همه اینها نتانیاهو اقداماتش را متوقف نخواهد کرد. او جهان را مشغول غزه کرده؛ اما به کرانه باختری اهمیت بیشتری می‌دهد. طبق گزارش‌های منتشرشده از سوی گاردین، اسرائیل مدت‌هاست که حتی از باستان‌شناسی هم به نفع خود استفاده می‌کند تا کرانه باختری را به اشغال در آورده و هم‌زمان بیت‌المقدس را به عنوان پایتخت ابدی و ازلی خود اعلام کند.

ایده اسرائیلی‌ها آن است که کرانه باختری از نظر تاریخی به طور کامل به آنها تعلق دارد. این ایده پیچیدگی‌های سرزمینی و انسانی و حتی تاریخی را رعایت نکرده و فقط به برخی دستاوردهای مورد مناقشه‌ای اشاره دارد که در زمینه باستان‌شناسی به دست آمده است. آنها در حالی دست به چنین اقداماتی می‌زنند که عملا دستاوردهای باستان‌شناسی را که درباره حضور تاریخی فلسطینی‌ها در سرزمین اشغالی است، در غزه بارها هدف قرار داده و تخریب کرده‌اند. اسرائیل از سال ۱۹۶۷ به این سو بیش از هفت هزار سایت باستان‌شناسی را در کرانه باختری شناسایی کرده است. در شهری که اسرائیلی‌ها آن را شهر داوود می‌نامند، کاوش‌ها از طرف سازمان‌های شهرک‌نشین با حمایت دولت، تونل‌هایی زیر محله‌های فلسطینی حفر کرده که به الحاق بیت‌المقدس شرقی کمک می‌کند. درواقع در کرانه باختری اکتشافات تاریخی به‌مثابه سلاحی علیه فلسطینی‌ها استفاده می‌شود. آنها ارتباط ساکنان فلسطینی را با تاریخ خود قطع کرده و درصددند تا آنچه حق تاریخی یهود می‌دانند، اثبات کنند. روشی را که دولت نتانیاهو با حمایت راست‌گرایان و مسیحیان انجیلی و طرفداران خود در دولت ترامپ در پیش گرفته است، می‌توان نوعی الحاق خزنده دانست؛ اقدامی که می‌تواند تیشه به ریشه راه‌حل دوکشوری در سرزمین‌های اشغالی زده و فلسطینی‌ها را بیش‌ازپیش در خطر مرگ و آوارگی قرار دهد.

تله قیمت‌گذاری

ادامه از صفحه ۴

محدودیت در ایجاد نوآوری

حامد ولی‌پوری، مدیرعامل ازکی، از دیگر مدیرانی است که معتقد است در صنعت بیمه دیجیتال دخالت و محدودیت‌های دولت بیشتر است و همین باعث جلوگیری از نوآوری این کسب‌وکارها در سرویس‌های‌شان شده است.

به گفته او نهاد قانون‌گذار و مدل قانونی اعمال‌شده بر صنعت بیمه اجازه نمی‌دهد برای نمونه تخفیفی اعمال شود که بتواند ارزش بیشتری ایجاد کند. او با اشاره به محدودیت‌هایی که رگولاتور برای صنعت بیمه دیجیتال ایجاد کرده، گفت: «صنعت بیمه یک صنعت دینامیک است و تأمین‌کننده می‌خواهد ارزش ایجاد کند و سهم بازار کسب کند. تقریبا ۸۰ تا ۹۰ درصد صنعت بیمه در دو رشته خودرو و درمان است و قانون‌گذار دقیقا در همین دو بخش دست گذاشته و گفته در این زمینه فقط من قیمت‌گذاری را انجام می‌دهم. این یعنی به کسب‌وکار پیام داده می‌شود که حداکثر ارزشی که می‌تواند ایجاد کند، همین مقدار است که من می‌گویم». او تأکید کرد که دولت با قیمت‌گذاری دستوری در این زمینه این کسب‌وکارها را را دچار مشکل کرده و امکان نوآوری و ارزش‌آفرینی را از استارتاپ‌های این بخش گرفته است. همچنین او تأکید می‌کند که دخالت دولت در اقتصاد، باعث امنیتی‌شدن فضا شده است.

ولی‌پوری ادامه داد: «تصمیم‌گیران ما با مبانی اقتصادی آشنایی ندارند. با وزیر ارتباطات جلسه‌ای داشتیم و ایشان در این جلسه گفتند نمی‌دانم که چطور است ما با مشارکت شما می‌خواهیم مقررات‌گذاری کنیم ولی وقتی مقررات‌گذاری نهایی و بیرون می‌آید، شما از آن راضی نیستید و می‌گویید آن چیزی نیست که شما گفته بودید. دلیل این موضوع به این خاطر است که اصولا تصمیم‌گیرهای نهایی کاری به نظر بخش خصوصی ندارند». به گفته او تضاد منافع هم از عوامل دیگری است که تبعات منفی زیادی برای این کسب‌وکارها به دنبال داشته است: «بیشترین تضاد منافع در بیمه شخص ثالث خود را نشان می‌دهد، چون مجلس، دولت و دیگر نهادها برای آن تصمیم می‌گیرند. بیمه شخص ثالث در همه جای جهان هرچند بیمه‌ای اجباری است، اما بیمه تجاری محسوب می‌شود، ولی دولت می‌خواهد در این زمینه هم قیمت‌گذاری کند».

قیمت‌گذاری باید پویا باشد

تاکسی‌های اینترنتی با وجود تمام محدودیت‌هایی که دولت پیش‌پای‌شان گذاشته، تا حدودی توانسته‌اند قیمت‌گذاری پویا را برای رگولاتور معنا کنند. مصطفی حسینی، مدیرعامل تپسی، در رویداد آکادمی سامان می‌گوید تلاش‌های چند سال مدیران تاکسی‌های اینترنتی از همان زمان شروع به کار این پلتفرم‌ها در ابتدای دهه ۹۰ باعث شده مفهوم پویابودن قیمت‌گذاری تا حدودی پذیرفته شود و اینکه قیمت نمی‌تواند ثابت باشد، هرچند مشکلات و دخالت‌ها در این زمینه ادامه دارد.

او درباره دخالت رگولاتوری در حوزه تاکسی‌های اینترنتی می‌گوید: «ورود به مقوله قیمت‌گذاری بسیار خطرناک است و می‌تواند به میوه بسیار باکیفیتی که اقتصاد آزاد می‌تواند ارائه دهد، آسیب برساند. حداقل در تاکسی اینترنتی، آزادی قیمت‌گذاری تا حد زیادی برقرار است. دخالت دولت در قیمت‌گذاری مثل کاری است که اختلال‌گرها در جی‌پی‌اس انجام می‌دهند و باعث می‌شوند مسیرها گم شوند». او با اشاره به دستور به حذف گزینه «عجله دارم»، اعلام کرد: «دستور به حذف گزینه عجله دارم دادند، چون فکر می‌کنند ما در قیمت‌ها دست می‌بریم و آن را بالا می‌بریم تا کمیسیون بیشتر بگیریم و این در حالی است که تمام مدل‌های ما بدون کمیسیون است و فقط هدف ما حداکثرسازی نرخ جورسازی یا مچینگ با قیمت است». او ادامه داد: «برداشت نادرست دولت این بود که فکر کند ما در تضاد با منافع جامعه عمل می‌کنیم، بنابراین ورود کردند، ولی ناموفق بود. با این حال، جلوی ما گرفته شد و گزینه حذف قیمت‌گذاری اعمال شد. این یکی از نمودهای دخالت و ایجاد قیمت‌گذاری دستوری است». به باور او برداشت‌های نادرست دولتمردان باعث شده ورود اشتباهی به قیمت‌گذاری داشته باشند؛ اتفاقی که به افزایش قیمت و کاهش متوسط ساعتی درآمد راننده‌ها منجر می‌شود.

یادداشت

ابربحران آب در ایران؛ از سازه‌های عظیم تا ورشکستگی آبی

ادامه از صفحه ۴

تهران با جمعیتی بیش از ۹ میلیون نفر، به‌شدت به ذخایر سدهای لار، طالقان و کرج وابسته است که در سال‌های اخیر کاهش چشمگیری یافته‌اند. در مشهد، اصفهان و کرمان نیز افت منابع زیرزمینی و کاهش بارش، تأمین آب شرب را به یک دغدغه امنیتی بدل کرده است.

پیامدهای اجتماعی و اقتصادی

بحران آب صرفا یک مسئله فنی نیست؛ پیامدهای اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای دارد. خشک‌شدن زمین‌های کشاورزی موجب مهاجرت روستاییان به شهرها شده است؛ مهاجرتی که حاشیه‌نشینی و فشار بر زیرساخت‌های شهری را افزایش داده است. تنش‌های اجتماعی بر سر حقابه در اصفهان، خوزستان و سیستان‌وبلوچستان، نشانه‌هایی از تبدیل بحران آب به یک بحران امنیتی است. از سوی دیگر، کاهش منابع آب می‌تواند امنیت غذایی کشور را با خطر جدی مواجه کند. ایران هم‌اکنون حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد نیاز به گندم و ذرت را از طریق واردات تأمین می‌کند و تداوم بحران، این وابستگی را افزایش خواهد داد.

راهکارها: از مدیریت تقاضا تا دیپلماسی آب

برای عبور از بحران و جلوگیری از ورشکستگی کامل آبی، مجموعه‌ای از اقدامات فوری و بلندمدت لازم است:

۱. اصلاح الگوی کشت: توقف کاشت محصولات پرآب‌بر مانند برنج و هندوانه در مناطق خشک.

۲. افزایش بهره‌وری کشاورزی: استفاده از فناوری‌های نوین آبیاری و کاهش تلفات در شبکه‌های فرسوده (که گاه تا ۳۰ درصد آب در آنها هدر می‌رود).

۳. بازچرخانی آب: استفاده از پساب تصفیه‌شده در صنعت و کشاورزی. در حال حاضر، فقط حدود ۱۰ درصد فاضلاب شهری بازیافت می‌شود.

۴. مدیریت هوشمند آب شهری: کاهش هدررفت در شبکه‌های شهری، نصب کنتورهای هوشمند و فرهنگ‌سازی عمومی.

۵. دیپلماسی آب: همکاری با کشورهای همسایه در مدیریت رودخانه‌های مشترک مانند هیرمند و ارس.

۶. بازنگری در سیاست‌های سازه‌ای: اجرای پروژه‌های آبی فقط پس از مطالعات جامع زیست‌محیطی و اقتصادی.

نتیجه‌گیری؛ بحران حکمرانی

بحران آب ایران را نمی‌توان فقط به تغییرات اقلیمی یا کاهش بارندگی نسبت داد. این بحران بیش از هر چیز، بحران حکمرانی آب است. سیاست‌های کوتاه‌مدت، نبود شفافیت و نگاه بخشی، ما را به مرز ورشکستگی آبی کشانده است. امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند تغییر رویکردیم: از مدیریت عرضه به مدیریت تقاضا، از پروژه‌محوری به حکمرانی پایدار. اگر امروز اقدام نکنیم، فردا با بحرانی مواجه خواهیم شد که نه‌تنها کشاورزی، بلکه حیات شهرها و آینده کشور را تهدید خواهد کرد. آب، حیاتی‌ترین منبع ملی است و بی‌تردید سرنوشت ایران به سرنوشت آب گره خورده است.

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی ۵۸۶-۱۴۰۴

شهرداری شیراز

شهرداری شیراز در نظر دارد عملیات حفظ و نگهداری فضای سبز ۱۱ قطعه باغات قصردشت را از طریق برگزاری مناقصه عمومی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) با شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۹۶۶۸۸۰۰۰۳۶۸ به شرکت های واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می آید با مراجعه به آدرس WWW.Setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد مناقصه و تحویل آن اقدام نمایند. در صورت عدم عضویت قبلی ، ثبت نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی صاحبان امضاء مجاز از سوی متقاضیان جهت شرکت در مناقصه الزامی است.

➢ **مبلغ برآورد:** ۲۵،۹۶۸،۹۲۵،۷۱۳ ریال
➢ **مدت قرارداد :** ۱۲ ماه
➢ **شرایط شرکت کنندگان :**
▪ ارائه صلاحیت معتبر مرتبط با موضوع مناقصه از اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی یا ارائه رتبه کشاورزی از سازمان برنامه و بودجه الزامی است.
▪ ارائه حداقل یک سال سابقه اجرایی در خصوص حفظ و نگهداری و یا احداث فضای سبز توسط شرکت، الزامی می باشد
➢ **محل انجام کار:** باغات قصردشت طبق لیست پیوست
➢ **مبلغ سپرده شرکت در مناقصه مبلغ ۱،۲۹۸،۴۴۶،۲۸۵ ریال بصورت :**
الف) ضمانتنامه به نفع شهرداری شیراز با شناسه ملی: ۱۴۰۰۲۰۹۱۶۷۱ و کداقتصادی: ۴۱۱۳۶۴۸۷۷۴۵۵
ب) فیش واریزی نقدی به حساب سپرده به شماره ۱۰۰۸۰۵۵۰۴۷۴۲ بانک شهر ، کد مرجع ۱۰۰۱۱۳
➢ **آخرین مهلت دریافت (توزیع) اسناد :** متقاضیان میتوانند حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۴ از طریق مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اسناد مناقصه را دریافت نمایند.
➢ **آخرین مهلت ارائه پیشنهادات و ثبت اسناد و مدارک در سامانه :** حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۷ می باشد. شرکت کنندگان می بایست تا قبل از برگزاری کمیسیون سپرده شرکت در مناقصه را به صورت فیزیکی به آدرس شیراز خیابان راهنمایی ساختمان مرکزی شهرداری شیراز (شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی) طبقه سوم ،دبیرخانه اداره قراردادها تحویل نمایند.
➢ **تاریخ و محل بازگشایی پاکات:** ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۸ در محل شیراز، چهارراه خلدبرین(شهرداری منطقه یک)طبقه سوم، سالن جلسات کمیسیون معاملات شهرداری شیراز می باشد.
➢ مدت اعتبار پیشنهادها ۳ ماه می باشد.
➢ هیچگونه وجهی بابت پیش پرداخت داده نخواهد شد.
➢ تعدیل آحاد بها بر اساس بخشنامه شماره ۱۰۱/۱۷۳۰۷۳ مورخ ۱۳۸۲/۰۹/۱۵ سازمان برنامه و بودجه پرداخت خواهد شد .
➢ سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد مناقصه مندرج است.
➢ آگهی و اطلاعات مربوط به مناقصه از طریق سایت https://shaffaf.shiraz.ir قابل مشاهده می باشد.
➢ **اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه :** مرکز تماس : ۱۴۵۶

نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷ نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸
شناسه آگهی : ۲۰۱۰۵۵۵

اداره کل ارتباطات و امور بین الملل شهرداری شیراز

۳۹۰۰